

نه گل نه شمع

گلها ،

دانه دانه

در خاطره ی دسته شدن می خوابند

رنگها،

شمع شمع

در شراره ی بسته شدن می میرند

زیبایی ، در ناامیدی چیزها آشکار می شود

نومیدی ، در آگاهی مصرفی بیدار می شود

عشق ، در انضباط مخفیانه از فروتنی بیزار می شود

هستی شمع

نیستی گل

اصیل تر از قاجاق و اژه ها اقرار می شود

میان من و تو

نه گل

نه شمع

بل، عشق است که دیوار می شود . . .

م . فرهود – هفدهم فبروری 2008